

ارزیابی یافته‌های سفرنامه‌نویسان خارجی از وضعیت شیعیان ایران عصر قاجار (مطالعه موردی: اوژن اوین و مادام کارلا سرنا)

msaeedyan@ltr.ui.ac.ir
parvinhaqqi@gmail.com

کرمه مریم سعیدیان جزئی / استادیار دانشگاه اصفهان
پروین حقّی / دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان
دریافت: ۹۵/۱۱/۱۴ - پذیرش: ۹۶/۳/۱۷

چکیده

سفرنامه‌ها نتیجه مشاهدات و ارزیابی عینی نویسندگان آنهاست. بدین‌روی، از منابع مهم شناخت هویت و فرهنگ یک جامعه در دوره‌های گوناگون تاریخی از دیدگاه غیرایرانی‌ها و ارزیابی آنها در این خصوص به‌شمار می‌رود. در این میان، سفرنامه‌هایی که توسط اروپاییان در قرون اخیر نوشته شده، هم به خاطر طرح موضوع و تفسیر و تحلیل و هم ارزیابی و مقایسه آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. آثار این گروه به طور مستقل و مفصل به هویت شیعی نپرداخته، اما به واسطه قرار گرفتن در حوزه مطالعات استشرق و دقت این افراد در برخی عقاید و آداب شیعیان و ارائه نظر درباره برخی مسائل و توجه برخی از مستشرقان معاصر و نویسندگان داخلی به آنها، شایسته توجه وارزیابی است. از جمله موضوعات مطرح نظر این گروه، بیان باورها و عقاید شیعیان در خصوص آموزه‌های دینی و پیشوایان خود، توصیف رفتارها و مناسک دینی ایرانیان شیعی، توجه به مزارات و روحانیت و ارزیابی مسائل آنهاست. در این مقاله، آثار دو تن از سیاحان اروپایی (مادام کارلا سرنا و اوژن اوین)، که در دوران قاجار به ایران آمدند بررسی شده و در نهایت این نتیجه به دست آمده است که این دو غالباً نگاهی صرفاً روایت‌گرانه و مبتنی بر مشاهدات ناقص خود از آداب و مناسک ایرانیان شیعی داشته‌اند و همین موجب شده تا از یک‌سو، آنها را حمل بر مذهب تشیع کنند، و از سوی دیگر، در شرح برخی از اصول اعتقادی شیعیان دچار خطا شوند. روش تحقیق «مطالعه تاریخی و انتقادی» است که با استفاده از آثار این دو و منابع اسلامی انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: شیعیان ایران، سفرنامه‌نویسان خارجی، عصر قاجار، اوژن اوین، کارلا سرنا، شیعیان ایران در عصر قاجار.

سفرنامه‌ها از جمله مهم‌ترین اسناد تاریخی و مردم‌شناسی است که در شناخت فرهنگ و هویت تاریخی و دینی هر ملت نقش مهمی دارد؛ چنان‌که بخشی از مطالعات شرق‌شناسی و برنامه‌ریزی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سیاست‌مداران غربی در شناخت ایران و شیعیان، با توجه به سفرنامه‌ها انجام می‌شود. با توجه به این موضوع، آنچه ضروری می‌نماید تحلیل و بررسی سخنان این سیاحان دربارهٔ مذهب تشیع است تا روشن شود که مذهب رسمی ایران در این سفرنامه‌ها چگونه انعکاس یافته و شناسه‌های مذهبی ایرانیان چگونه توصیف و ترسیم شده است؟ کدام‌یک از مؤلفه‌های هویت مذهبی ایرانیان در این سفرنامه‌ها به عنوان خصیصهٔ عام و فراگیر شناخته شده است؟ انگیزهٔ ثبت این‌گونه اطلاعات و روش‌ها و منابع استفاده شدهٔ این سیاحان چه بوده است؟ اخبار و اطلاعات ارائه شده توسط مستشرقان تا چه حد قابل اعتبار و ارزیابی است؟

تحقیقات و پژوهش‌هایی در این حوزه انجام شده است؛ از جمله: حسن حسین زاده *شانه‌چی* در مقالهٔ «سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب» (۱۳۸۹)، برخی از سفرنامه‌های اروپاییان در دورهٔ صفوی و بخشی از دورهٔ قاجار دربارهٔ شیعیان ایران را شرح داده که سهم این دو سیاح خارجی در آن محدود و تحقیق پیش‌رو از نظر، رویکرد و روشی متفاوت با آن دارد.

علی کریمی در مقالهٔ «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجار» (۱۳۸۶)، به دین‌داری ایرانیان و روحانیان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی ایرانیان پرداخته است.

همچنین باید از دو مقالهٔ «بازتاب محرم در سفرنامه‌های اروپاییان» (۱۳۸۲)، نوشته مصطفی لیماکیو؛ و «سنت دفن مرده در جوار مزارات متبرکهٔ شیعه از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی» (۱۳۹۴)، نوشتهٔ حسین هاشمی و فاطمه علیان اشاره کرد که بخشی از آداب و مراسم شیعیان را در دوره صفوی و قاجار توصیف کرده‌اند.

پژوهش‌هایی که تاکنون دربارهٔ این موضوع صورت گرفته بیشتر در ذیل بررسی هویت و حیات اجتماعی ایرانیان و بررسی برخی مناسک و رسوم شیعیان بوده است. در تحقیق پیش‌رو، ضمن توجه به ابعاد دیگری از این مناسک و مراسم، دیدگاه سرنا و اوین راجع به آموزه‌های شیعی و هویت فرهنگی و تاریخی تشیع، که در عین اهمیت، در این آثار به آن توجه نشده، بررسی و ارزیابی شده است. مطالبی که این دو به آن پرداخته‌اند ذیل چند محور ذکر می‌شود؛ از جمله: معرفی مذهب شیعه و اشاره به اختلافات شیعیان با اهل سنت؛ کیفیت زیارت اماکن مقدس شیعه توسط مسلمانان؛ جایگاه و نقش روحانیت شیعی؛ فرقه‌های مذهبی در ایران و مراسم مذهبی شیعه این مقاله با روش اسنادی کتابخانه‌ای پس از شرح موضوعات مذکور، آنها را نقد و ارزیابی می‌کند.

بررسی مفاهیم تحقیق

الف. شیعه: در لغت، به معنای «پیرو و طرفدار» است این کلمه به‌طور مشخص، اصطلاحی برای پیروان امام علی علیه السلام است.^۱

ب. استشرق: مجموعه تلاش‌های علمی غربیان برای شناسایی شرایط جغرافیایی، منابع، تاریخ، آداب، سنن، فرهنگ، ادیان و تمدن کشورهای مشرق زمین است.^۲

ج. سفرنامه: نوعی گزارش است که نویسنده در قالب آن، مشاهدات خود از راه‌ها، فاصله‌های بین شهرها و مناطق و مظاهر حیات اجتماعی در شهرهای گوناگون را شرح می‌دهد.^۳

د. قاجار: قاجار ایل ترک زبان ایران و از طایفه‌های قزلباش که در زمان صفویه در استرآباد (گرگان) اسکان داده شدند و خود شامل چندین طایفه بودند (مانند قوانلو، دُولُو، سپانلو). برخی از سران آن از اواخر دوران صفویه مدعی سلطنت شدند و سرانجام، *آقامحمدخان سلسله «قاجاریه»* را تأسیس کرد (ح ۱۲۰۰ق / ۱۱۶۴ش). آخرین شاه قاجار، *احمدشاه*، به وسیله مجلس مؤسسان جایش را به سلسله پهلوی داد (۱۳۰۴ش).^۴

ه. اوژن اوبن (Eugene Aubin) (تولد ۱۸۶۳م): وی اهل فرانسه و نام اصلی‌اش کولار دسکو است. او پس از اتمام تحصیلات خود، در وزارت امور خارجه فرانسه استخدام و به‌عنوان وابسته مطبوعاتی سفارت فرانسه به کشورهای گوناگون فرستاده شد. سرانجام، در نوامبر ۱۹۰۵ م / ۱۳۲۲ق، یعنی در آستانه انقلاب مشروطه در سمت وزیرمختار فرانسه به تهران آمد و مأمور گزارش شرایط ایران به دولت متبوع خود شد. او در مدت دو سال اقامت خود در ایران، از شهرهای آذربایجان، کردستان، اصفهان، کرمانشاه و بغداد دیدن کرد که نتیجه آن تألیف سفرنامه‌ای با عنوان «ایران امروز» است که یک فصل از آن را به مذهب تشیع اختصاص داده است.

و. مادام کارلاسرنا (Mme Carla Serena): وی زن جهانگرد ایتالیایی است که در نوامبر ۱۸۷۷ م / ۱۲۹۴ق، مصادف با سی‌امین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه به ایران آمد. سرنا هیچ سمت سیاسی یا اجتماعی نداشت و آنچه موجب شهرتش شده سفرنامه‌های متعدد اوست که در طی سفر به کشورهای گوناگون نوشته است. دو کتاب وی با عنوان *یک زن اروپایی در ایران و آدم‌ها و آیین‌ها در ایران* حاصل مسافرت او به ایران است که در سال ۱۸۸۳ م در پاریس به چاپ رسید. این اثر از اطلاعات اجتماعی خوب و مفیدی برخوردار است.

۱. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص ۲۲.

۲. محمدحسن زمانی، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان، ص ۵۰.

۳. صادق آیینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۴. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۲۸۷.

چهارچوب نظری تحقیق

۱. روش تحقیق سرنا و اوین

روش سرنا و اوین در برخورد با بنیادهای اعتقادی شیعه، روشی تاریخ‌گرایانه، یعنی توصیف آموزه‌های اعتقادی بر اساس تحولات تاریخی و با نگاهی برون‌دینی است. سرنا صرفاً با تکیه بر مشاهدات و برداشت‌های خود از آداب و سنن رایج میان عوام، آموزه‌های شیعه را بیان داشته است. اوین هم با وجود اینکه سعی کرده است مفاهیم شیعی را براساس منابع اسلامی بیان کند، بازهم در لحن و کلام خود، آن نگاه پدیدارشناسانه، که آموزه‌های شیعی را در درون نظام اعتقادی و فکری تشیع بررسی می‌کند، به‌طور کامل رعایت نکرده است. آنها همه امور را از نظرگاه و اندیشه جهان غرب و با توجه به پیش‌فرض‌های خود می‌نگرند. به همین سبب، اعتقادی به انتخاب منصوص حضرت علی علیه السلام، عصمت اهل بیت علیهم السلام و مسائلی از این قبیل ندارند و معتقدند: چنین افکاری را شیعیان خود به امامان نسبت داده‌اند.

۲. منابع تحقیق سرنا و اوین

منابع محل استفاده اوین و سرنا بیشتر مشاهدات و تحقیقات میدانی همچون مشاهده شکل زیارت مردم در اماکن مقدس یا شیوه مراسم عزاداری آنها و گاهی نتیجه احساسات آنها بوده و معلوم نیست منظور آنها چه بوده است. سرنا تمام اعتقادات شیعیان را در دیده‌ها و شنیده‌های خود از خانم‌های درباری و مردم عادی، که بیشترشان آگاهی‌های عمیق مذهبی نداشته‌اند، خلاصه کرده است.^۱

اوین نیز با استفاده از منابع شیعه (زعیم عالی‌قدر شیعه ملا محمد کاظم خراسانی)^۲ و سنی، عقاید هر دو گروه را بیان کرده، اما بدون مراجعه به منابع کهن و معتبر، طبقه‌بندی خاصی از لحاظ کیفیت اعتبار آنها در نظر نگرفته و همه منابع محل استفاده خود را در یک ردیف قرار داده است.

انگیزه و هدف تألیف سرنا و اوین

اوین و سرنا، به‌ویژه اوین، با مقایسه گزاره‌های متعدد بین تشیع و مسیحیت درصد بوده‌اند تا شباهت بین ادیان را ثابت کرده، به این نتیجه برسند که برتری دین اسلام نسبت به دیگر ادیان معنا ندارد. اوین از این طریق، در برخی قسمت‌ها، مسیحیت را معرفی و تبلیغ کرده است. او روایات شیعه و اهل سنت را در تقابل با یکدیگر بیان می‌کند تا خواننده کتابش هیچ‌گاه به یک نتیجه واحد درباره عقاید مسلمانان نرسد و تنها اختلاف و ناپیوستگی بین فرق مختلف مسلمانان در ذهنش متصور گردد. سرنا نیز در جهت این هدف، مذهب شیعه را مذهبی خرافی و مخالف با عقل و منطق معرفی کرده است.^۳

۱. کارلاسرنا، آدمها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۷۲.

۲. اوژن اوین، ایران امروز، ص ۴۰۵.

۳. رک. کارلاسرنا، آدمها و آیین‌ها در ایران.

طرح و ارزیابی مسائل تشیع از منظر اوبن و سرنا

اول. مفهوم و تاریخ پیدایش تشیع

تشیع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی و مذهبی ایرانیان همواره مطمح‌نظر و محل بحث سیاحان خارجی بوده است که به کشور ایران آمده‌اند. *اوبن* و *سرنا* از همان دسته سیاحانی هستند که در سفر خود به ایران، متوجه تفاوت مذهب ایرانیان با سایرین شده و درباره آن قلم زده‌اند. درواقع، هر دو نویسنده درخصوص مذهب تشیع البته هرکدام به شکلی متفاوت - مطلب نوشته‌اند، و در ضمن آن، به مذهب اهل سنت نیز توجه داشته‌اند. *اوبن* معتقد است: تاریخ پیدایش تشیع مربوط به صدر اسلام و پس از رحلت رسول خدا^ص بوده و از همان آغاز، اختلاف بر سر جانشینی، سبب ایجاد دو فکر شد که در برابر هم قرار داشتند: یکی «تداوم جانشینی از نسل منحصر به خود پیامبر» و دیگری «انتخاب خلیفه‌ای با آراء خود مسلمانان».^۱

اوبن مجموعه اعتقادات شیعیان، یعنی حادثه غدیر خم و نزول جبرئیل بر پیامبر^ص به‌منظور ابلاغ دستور جانشینی حضرت علی^ع، نقش حضرت علی^ع در گسترش اسلام، و ویژگی‌های الهی امامان، مانند عصمت و علم را به‌عنوان یک امر خدایی می‌داند. همچنین غیبت را به‌عنوان بخشی از امامت امام دوازدهم^ع می‌پذیرد و غیبت صغرا و غیبت کبرا را به‌طور خلاصه و مطابق عقاید شیعه شرح می‌دهد.^۲ اما *سرنا* برخلاف *اوبن*، تاریخ پیدایش شیعه را در زمان خلافت امام علی^ع و در نتیجه اقدامات کینه‌جویانه و ساختارشکنانه آن حضرت (برکناری کارگزاران عثمان و برخورد با معاویه و عمرو عاص) در برابر مخالفانش می‌داند. از مطالب او، استنباط می‌شود که عامل ایجاد نفاق و دودستگی میان مسلمانان خود حضرت علی^ع بوده است. از نظر *سرنا*، اصطلاح «شیعه» و «سنی» در همین زمان به وجود آمد و از این رو، به طرفداران علی^ع «شیعه» و به طرفداران معاویه و عمرو عاص [ابن عاص] «سنی» می‌گفتند.^۳ او همچنین علت انتخاب حضرت علی^ع برای جانشینی پیامبر را نسبت خویشاوندی وی با رسول الله^ص و ازدواج ایشان با دختر آن حضرت می‌داند؛^۴ یعنی نفی مفاهیم موجود در شرایع الهی در انتخاب خلیفه الهی و نقش مردم در این زمینه.

اوبن درباره تاریخ پیدایش تشیع، اعتقاد غالب شیعیان را مطرح می‌کند. اما کلام *سرنا* در این باره به موضع یک سنی شباهت پیدا می‌کند او حضرت علی^ع را به‌عنوان فردی کینه‌جو با روحیه‌ای انتقام‌جویانه معرفی می‌کند که گویی وحدت و همبستگی بین مسلمانان را فدای اغراض شخصی خود می‌کند و موجب ایجاد اختلافی پایدار بین شیعیان و اهل سنت می‌شود.^۵ این در حالی است که حضرت علی^ع زمانی که به خلافت رسیدند، با توجه به کتاب

۱. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۷۵، ۱۷۶.

۳. کارلا سرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۴. همان، ص ۱۷۲.

۵. همان، ص ۱۷.

خدا و سنت رسول خدا ﷺ در پی انجام اصلاحات برآمدند و مبارزه با تبعیض‌ها و انحصارطلبی‌های اشراف اموی از جمله معاویه، که در دوره خلافت عثمان روی کار آمده بود، قطعاً در جهت همین مبارزه قرار می‌گرفت. در زمان خلافت ایشان، دشواری‌های بسیاری برای جامعه اسلامی به وجود آمده بود از جمله این مشکلات بود: رعایت نکردن عدالت اقتصادی که طی دوران خلافت عثمان به وجود آمده بود؛ رواج اصل برتری عرب بر موالی (اسیران آزادشده) که برخلاف اصول دینی بود؛ و فساد اجتماعی و رفاه‌گرایی شدید مردم که سبب تضعیف آرمان‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه شده بود.^۱

معاویه هوای خلافت در سر داشت و با پیشوایی حضرت علی علیه السلام مخالفت می‌کرد. این در حالی است که از اسلام و مسلمانان منحرف شده و خود بزرگ‌ترین فتنه و فساد در جامعه بود.^۲ از این‌رو، از نخستین اقدامات آن حضرت، عزل وی و ارسال نمایندگان خویش به مناطق گوناگون بود.

یکی دیگر از نکاتی که سرنا اشتباه برداشت کرده، علت انتخاب حضرت علی علیه السلام به جانشینی پیامبر است. در واقع، از کلام سرنا این‌گونه استنباط می‌شود که او علت جانشینی علی علیه السلام بعد از پیامبر را خویشاوندی نسبی و سببی او با پیامبر می‌داند، در حالی که شواهد تاریخی و روایی و دلایل عقلی متعددی وجود دارد که این ادعا را رد می‌کند. همچنین ممکن است سرنا در این زمینه، به منابع و مدارک متأخر کرده و همین موجب اشتباه وی در این موضوع شده باشد. روشن است که برای اثبات وصایت الهی حضرت علی علیه السلام دلایلی وجود دارد؛ از جمله آیات بسیاری در قرآن، به‌عنوان حجت و کتاب آسمانی مسلمانان، وجود دارد که براساس تعریف مفسران، حاکی از دستور خداوند به جانشینی حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر است. در آیه ۶۷ سوره مائده می‌فرماید: «ای پیامبر، آنچه را از خدا بر تو نازل شده است به مردم برسان، که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده‌ای؛ و خدا تو را از شر مردمان ننگه خواهد داشت. و دل قوی دار که خدا کافران را راهنمایی نخواهد کرد». طبق نظر مفسران و بررسی شأن و اسباب نزول، این آیه دستور خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر اعلام جانشینی حضرت علی علیه السلام است که در آخرین حج رسول الله صلی الله علیه و آله از سوی خداوند بر وی نازل شد و آن حضرت در راه برگشت از حج در مکانی به نام غدیر خم آن را اعلام کردند. طبرسی در مجمع‌البیان، ضمن ارتباط این آیه با حضرت علی علیه السلام با توجه به روایات، با تجزیه و تحلیل خود آیه، از اولین کلمه تا پایان آن به این نتیجه رسیده که آیه مذکور دستور خداوند به پیامبر مبنی بر تعیین حضرت علی علیه السلام بر رهبری جامعه اسلامی پس از خود است.^۳ ابن‌هشام نیز به واقعه غدیر خم و انتخاب حضرت علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند.^۴

۱. رسول جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، ص ۶۲-۵۲.

۲. محمدبن محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۹ و ۲۵۶.

۳. محمد طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۸۸ / فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۱۱۷، ۱۱۸.

۴. ابن‌هشام، سیره النبویه، ص ۳۷۵-۳۸۰.

دوم. تاریخ و سیره امامان شیعه^۲: از موضوعات قابل توجه/وبین و سرنا معرفی امامان شیعه^۳ و جایگاه و نقش آنان در میان شیعیان و گاهی اشاره به نحوه شهادت آنهاست.

۱- شهادت: /وبین در بحث امامان قائل به شهادت آنهاست^۱ و آن را نتیجه خشم خلفا علیه تهدید بالقوه امامان می‌داند. اما در خصوص علت آن، به چند نکته اشاره می‌کند که محل بحث است.

اول. از نگاه وی، اقدام امامان^۴ بی‌حاصل بوده، ولی درعین حال، به‌عنوان تهدیدی بالقوه علیه خلفا به‌شمار می‌آمد.

دوم. خلیفه غاصب درصدد برآمد که سایه امام اسوه حسنه را از مرکز خلافت دور کند.

این دو عامل سبب تحریک خلیفه برای به شهادت رساندن امامان بوده است.^۲ وی درنهایت، شهادت همه امامان^۳ را نتیجه قدرت‌طلبی و ستم خلفای وقت می‌داند. این دو عامل با مفهوم «شهادت»، که برگرفته از نگرش انسان به هستی و توحید است، منافات دارد.

۲- قیام عاشورا: بیشترین توجه /وبین و سرنا در خصوص شهادت امامان^۴ معطوف به شهادت امام حسین^۵ و قیام آن حضرت است. این دو بر این باورند که بجز امام حسین^۶ نقش دیگر امامان برای شیعیان اهمیت چندانی ندارد.^۳ به نظر می‌رسد یکی از علل این تصور حضور آنها در ایران همزمان با ایام محرم و مشاهده مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین^۷ بوده است.^۴

/وبین واقعه عاشورا را تقریباً مطابق با تاریخچه این واقعه در منابع شیعی شرح داده است.^۵ اما سرنا در توضیحات خود در این باره، اشتباهات بیشتری کرده است؛ از جمله اینکه حضرت عباس^۶، برادر امام حسین^۷ را احتمالاً در اثر شنیدن فریاد «ای عمو جان، العطش» عموی امام حسین^۸ معرفی کرده و به سبب علاقه‌ای که عوام به حضرت ابوالفضل‌العباس^۹ داشتند، او را هم مانند امام حسین^{۱۰} امام قلمداد نموده و او را اولین شهید از خاندان امام حسین^{۱۱} در حادثه عاشورا معرفی کرده است. و یا در رابطه با شهادت یاران امام حسین^{۱۲} که شهادت حضرت علی‌اکبر^{۱۳} فرزند امام حسین^{۱۴} را پس از شهادت حضرت عباس^{۱۵} ذکر می‌کند.^۶ این در صورتی است که حضرت علی‌اکبر^{۱۶} نخستین کسی است که از آل ابوطالب^{۱۷} در جنگ کربلا شهید شده است.^۷ همچنین او زمان مهاجرت و اسکان خاندان حضرت علی^{۱۸} به ایران را پس از واقعه

1. Martyrdom.

۲. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۳. همان، ص ۱۸۰-۱۸۵؛ کارلاسرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۶۹-۱۷۳.

۴. کارلاسرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۶۱ و ۱۷۴.

۵. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۳۸۲.

۶. کارلاسرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۸۰.

۷. محمدبن‌محمدبن‌نعمان مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۱۰.

کربلا می‌داند و علت آن را علاقه بسیار مردم ایران به امام علیه السلام می‌داند.^۱ اما منابع اسلامی بر این باورند که فرزندان امام حسین علیه السلام پس از شهادت ایشان به مدینه بازگشتند.^۲

سپس به شهادت امام حسین علیه السلام و خاکسپاری او در دمشق اشاره می‌کند.^۳ با توجه به اینکه سر امام مدتی در شام بوده، شاید منظور نویسنده هم همین بوده است.

یکی از نکات مطمح نظر این دو نویسنده در رابطه با امام حسین علیه السلام ارتباط او با ایرانیان است. از نظر سرنا و اوین، این ایرانیان بودند که یاد امام حسین علیه السلام را گرامی داشتند و علت این موضوع را ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد می‌دانند. اوین می‌گوید: «ازدواج [امام] حسین با دختر یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، و روش قاطع او در برابر خلیفه وقت، او را در قلب ایرانیان، از همه امامان دیگر عزیزتر و ارجمندتر کرده است».^۴ حتی اوین عزاداری برای امام حسین علیه السلام را بیشتر از سر احساسات ملی می‌داند تا احساسات و تعلقات مذهبی.^۵ سرنا نیز در این رابطه نظری مشابه با نظر اوین دارد او معتقد است: اولاد حضرت علی علیه السلام به علت نسبتی که امامان علیهم السلام با یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، پیدا کرده‌اند، وارثان به حق ساسانیان به‌شمار می‌روند.^۶

سرنا در خلال بحث راجع به حقانیت سیدعلی محمد باب و اینکه وی از اولاد علی علیه السلام و یک ایرانی است، به این موضوع اشاره می‌کند. این گونه به نظر می‌رسد که این دیدگاه را طرفداران باب به او القا کرده‌اند. این در حالی است که موضوع این ازدواج از منظر محققان نقد و رد شده است؛ از جمله: شهید مطهری می‌نویسد:

اگر از زاویه تاریخ بنگریم، اصل داستان شهربانو و ازدواج او با امام حسین علیه السلام و ولادت امام سجاد علیه السلام از شاه‌زاده‌ای ایرانی مشکوک است.^۷

با بررسی سندی و محتوایی روایاتی که درباره اسارت شهربانو به دست مسلمانان گفته شده است، نمی‌توان این موضوع را پذیرفت؛ زیرا روایان حدیث را بسیار ضعیف دانسته‌اند. محتوای متنی روایات هم قابل پذیرش نیست؛ چندان که محدثان و نسب‌دانان بر آن خرده گرفته و به انکار آن برخاسته‌اند. از سوی دیگر، در متن روایت اختلاف بسیار وجود دارد؛ زیرا اسارت او را به اشکال گوناگون در دوران خلافت عمر و عثمان نگاهشته‌اند. همچنین اسارت او در هیچ‌یک از نبردهای قادیسیه، مدائن یا نهاوند پذیرفتنی نیست؛ زیرا یزدگرد و خاندان او در میدان نبرد نبودند و یزدگرد پیش از آمدن مسلمانان به مدائن، همراه خانواده خود به اصفهان

۱. کارلاسرنا، آدمها و آیینها در ایران، ص ۱۷۳.

۲. محمدبن محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. کارلاسرنا، آدمها و آیینها در ایران، ص ۱۷۳.

۴. اوژن اوین، ایران امروز، ص ۱۸۵.

۵. همان، ص ۱۹۳.

۶. کارلاسرنا، آدمها و آیینها در ایران، ص ۴۲.

۷. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۳۱.

رفته بود.^۱ اگرچه می‌توان احتمال داد که مادر امام سجاد^ع فردی از خاندان‌های مشهور ایرانی مانند خاندان ساسانی بوده، اما پذیرش اینکه مادر ایشان دختر پادشاه ساسانی باشد ضعیف است.^۲

۳- بررسی تاریخ زندگی ائمه اطهار^ع همان‌گونه که ملاحظه شد، سرنا در توضیحات خود درباره امامان^ع به امام حسین^ع اکتفا می‌کند، اما/وبن علاوه بر این، به توضیح شخصیت دیگر امامان شیعه^ع نیز می‌پردازد. وی امام موسی کاظم^ع را در مرتبه‌ای پایین‌تر از دیگر امامان می‌داند و او را با سنت آتوان دویادو در دین مسیح مقایسه می‌کند.^۳ در رابطه با جایگاه امام حسین^ع نزد شیعیان، باید گفت: برخلاف نظر/وبن و سرنا، شیعیان راستین نه‌تنها برای امام حسین^ع بلکه برای همه امامان خود احترام قایل بوده‌اند. به همین سبب، امام موسی کاظم^ع را هم به اندازه دیگر امامان گرامی می‌دارند. علاوه بر این، قیام امام حسین^ع برای شیعیان مایه عزت و ظلم‌ستیزی است؛ زیرا حرکت امام^ع حرکتی در برابر حکومت ظلم و بیداد بود؛ حکومتی که با وجود آن، امام حاضر به زنده ماندن تحت تسلط آن نگشت.^۴ درواقع، این از وظایف امامان^ع است تا با روشنگری‌های خویش، از هر نوع انحراف در عقاید امت جلوگیری کنند.^۵

/وبن اخباری را هم درباره امام رضا^ع و آمدن ایشان به خراسان به درخواست مأمون آورده و مأمون را به عنوان پدر زن امام رضا^ع معرفی کرده است. این در حالی است که برخی گزارش‌های منابع اسلامی نیز از این ازدواج خبر می‌دهد.^۶ اما به سبب نبود قرینه‌های کافی و سکوت بسیاری از منابع تاریخ ائمه اطهار^ع در این باره و خبر مفصلی که چگونگی این ازدواج را تأیید کند، باید گفت: ازدواج امام با دختر مأمون منتفی است.^۷

پس از آن، وی به نحوه شهادت ایشان چند روز پس از ورودشان به خراسان اشاره می‌کند، درحالی‌که طبق متون تاریخی، این اتفاق دو سال پس از ورود امام به خراسان رخ داد. /وبن شهادت امام رضا^ع را از نگاه دو گروه سنی و شیعه بیان می‌کند: «سنی‌ها» می‌گویند: این واقعه در اثر افراط در خوردن انگور اتفاق افتاده است؛ اما شیعیان اعتقاد دارند، مانند سایر اولاد حضرت علی^ع ایشان را هم مسموم کردند. در نهایت، او نظر خود را اینچنین بیان می‌کند که به‌طور ناگهانی، از مرض سوء هاضمه درگذشت.^۸ این در حالی است که مأمون در راه بغداد، در شهر

۱. جعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین^ع، ص ۹-۲۷؛ مریم سعیدیان جزئی، سیره و تاریخ امامان شیعه، ص ۱۲۰ و ۱۴۵.

۲. رسول جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه^ع، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۳. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۳۷۱؛ رک. حبیب‌الله احمدی، امام کاظم^ع الگوی زندگی، ص ۲۰۳-۲۰۵.

۴. سیدمحمدحسین طباطبائی، شیعه در اسلام، ص ۱۳۴.

۵. جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، ص ۱۶۷.

۶. رسول جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه^ع، ص ۴۷۸.

۷. مریم سعیدیان جزئی، سیره و تاریخ امامان شیعه، ص ۱۹۲-۱۹۴.

۸. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۲۷۲.

سناباد طوس، امام رضا علیه السلام را با آب انار یا انگور زهرآلود مسموم ساخت و دستور داد پیکر آن حضرت را همان جا پیش روی قبر هارون دفن کردند.^۱

۴- عقاید مردم درباره امامان معصوم علیهم السلام: /وبن میان شهادت امام رضا علیه السلام و مسئله عصمت ارتباط قابل است. البته به نظر می‌رسد «عصمت» به معنای «مظلومیت» مدّ نظر او باشد؛ زیرا /وبن معتقد است: شهادت امامان علیهم السلام افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد و موجب شد تا مفاهیمی همچون «معصومیت» و مانند آن را به امامان علیهم السلام نسبت دهند.

یکی دیگر از نکات جالب توجهی که در کتاب /وبن راجع به شخصیت امامان علیهم السلام آمده، مقایسه /وبن بین نگاه دو مذهب مسیحیت و تشیع به شخصیت‌های مذهبی محترمشان است. او می‌نویسد: «محمد، علی و حسین، موضوع تثلیث در تشیع را مطرح می‌کنند».^۲ اصل «تثلیث» در مسیحیت، که /وبن به آن اشاره کرده، اقرار به الوهیت ربّ اعلا، عیسی بن مریم علیه السلام و روح القدس است. چنین افکاری تنها مختص مسیحیانی است که بعدها آن را وارد این مذهب کرده‌اند، در صورتی که شیعیان مسلمان با تکیه بر آیات قرآن، تنها به یگانگی خداوند ایمان دارند و حتی وجود تعداد معدودی متعصب غالی هیچ‌گاه نمی‌تواند موضوع تثلیث در مسیحیت را وارد مذهب توحیدی اسلام و شیعه کند. این موضوع ریشه در باورهای غلوآمیزی دارد که در دستورات اسلامی و تعالیم امامان علیهم السلام رد شده و «امیرمؤمنان و فرزندان پاک علیهم السلام پیوسته از غالیان دوری جسته و بر آنها لعنت فرستاده‌اند».^۳ در واقع، بطلان این ادعای /وبن با استناد به آیات قرآنی^۴ و نصوص دینی روشن است.^۵

سوم. ایران ساختگی تشیع

از دیگر مباحثی که قابل توجه این دو سیاح اروپایی قرار گرفته، رابطه میان تشیع و ایران است. آنچه در نظر سرنا موجب طرح چنین دیدگاهی گشته، ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد ساسانی بوده است.^۶ اما از منظر /وبن، علاوه بر موضوع مزبور، سیاست حکومت صفویه هم موجب ایجاد چنین دیدگاهی گشته است. در واقع، /وبن به ارتباط ایران و ایرانی با مذهب تشیع می‌پردازد و تشیع را از منظر سیاسی در ایران بررسی می‌کند. وی معتقد است:

۱. محمدبن محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۱۸۰.

۳. جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، ص ۲۵۶.

۴. «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» در پیشگاه خدا، خلقت عیسی مانند خلقت آدم است که او را از خاک آفرید. سپس به آن گفت: بشری به حد کمال باش. همان‌دم چنان گردید. برای نمونه، ر.ک. آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره آل عمران.

۵. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «سراغاز پرستش خداوند شناختن اوست، و پایه شناختش یگانه دانستن اوست، و نظام یگانگی‌اش به دور ساختن همانند از اوست» (محمدبن محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۱۶).

۶. کارلاسرنه، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

صفویه به خاطر سیاست، مذهب تشیع را دست‌کاری کردند و از آن یک مذهب و عقیده جدید ساختند.^۱ به هر حال، از نظرگاه این دو، تشیع یک مذهب ایرانی و در ایران، مذهبی سیاسی و دولتی است. گویا مشاهده‌ی عزاداری ایرانیان برای امام حسین علیه السلام از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد چنین دیدگاهی گشته است.

درواقع، مستشرقانی که در صدویچاه سال اخیر، به این قبیل مسائل پرداخته‌اند، بدان دلیل که در زمان آنان، اکثریت مردم ایران بر مذهب تشیع بوده‌اند، در پی کشف علت برآمده‌اند. آنان بدون توجه به تاریخ تشیع در بلاد عربی، تشیع را مذهبی ایرانی معرفی کرده‌اند.^۲

این در حالی است که محل ظهور مذهب شیعه در کوفه و میان قبایل عرب بود و اصل و اساس آن عربی است، نه ایرانی. پس از آن بود که توسط برخی قبایل عرب در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی، از مصر تا یمن و از آنجا به ایران منتقل شد.^۳

اوبن کلام خود را با مروری بر تاریخ ایران از زمانی که اسلام وارد ایران شد، آغاز می‌کند و از زوال دین و زبان و نژاد قوم ایرانی به‌واسطه تسلط اعراب بسیار اظهار تعجب می‌کند و می‌گوید: چنین چیزی در طول تاریخ سابقه نداشته است. نویسنده این مقدمات را بیان می‌دارد تا به این نتیجه برسد که این مذهب تشیع بود که توانست از ایرانیان نامتحد و تأثیرپذیر، ملتی واحد به وجود آورد.^۴ درست است که مذهب تشیع موجب وحدت ملی در ایران شد، اما موضوع عقیده و دین و فرهنگ چیزی نیست که یک حکومت با القای سیاسی بخواهد آن را غالب کند. ظرفیت خود دین، پیراوان آن و شرایط جامعه فرصتی برای صفویه بود. همچنین برخلاف نظر اوبن، دیگر نویسندگان معاصر بر این عقیده‌اند که ایران از معدود سرزمین‌هایی بود که با وجود اسلام آوردن بیشتر مردم آن، عرب نگردید و در برابر مصر، سوریه، فلسطین و شمال آفریقا، که مردمش مستعربه شده و حتی زبان اصلی خود را از دست دادند و به زبان مسلمانان فاتح تکلم کردند، روح ایرانی وجود خود را مستقل و پایدار حفظ کرد.^۵

چهارم. رویکرد سیاسی تشیع و دولت‌های شیعی

مسئله تشیع و سیاست و تشکیل دولت از مهم‌ترین موضوعاتی است که سیاحان و مستشرقان غربی به آن توجه داشته‌اند. شاید این مسئله به خاطر آن است که از نظر آنها تشیع یک مذهب سیاسی است و همه هدفش به دست گرفتن قدرت است. بدین‌روی، اقدام به تشکیل دولت می‌کند و به هر دولت مخالف خود معترض می‌شود و علیه آن شورش می‌کند. از منظر آنها، ایرانیان برای احیای هویت سیاسی و تاریخی خود، مذهبی سیاسی با نام «تشیع»

۱. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۱۷۹.

۲. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا پایان قرن نهم هجری، ص ۲۲۴.

۳. همان، ص ۲۲۳.

۴. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۱۷۳.

۵. برتولد اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ص ۲۴۰.

انتخاب کردند یا به وجود آوردند و در پرتو آن، اقدام به تشکیل دولت‌های مستقل و ساختار اداری ایرانی - شیعی کردند. هالم معتقد است: شکست صفویه از دولت عثمانی در جنگ چالدران، صفویان را بر آن داشت تا برای برگرداندن قدرت سیاسی خود، مذهب شیعه را، که به نظر او پیش از صفویه هیچ اثری از آن در ایران دیده نمی‌شد، تقویت کنند و از این طریق، شکل جدیدی از قدرت را ارائه دهند.^۱

اوبن تشیع در ایران را از منظر سیاسی و همان‌گونه که بوده است، بررسی کرده و به دولت‌ها و شخصیت‌های سیاسی شیعی، که در ایران روی کار آمدند از جمله فرزند زید برادر امام محمدباقر^ع در گرگان، دولت امام رضا^ع در مشهد، سلسله آل بویه که به هواداری از مذهب تشیع پرداختند، سلطان محمد خاندانه از سلسله ایلخانی که به تشیع روی آورد و سرانجام، شیخ صفی‌الدین اردبیلی که تصوف را بر مبنای آیین اثناعشری در ایران رواج داد تا اینکه شاه اسماعیل توانست سلسله صفوی را با رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع به وجود آورد، اشاره می‌کند.^۲ سپس از حاکمیت روحیه به شدت مذهبی بر افکار عمومی سخن می‌گوید که موجب شده است تا نقش پیامبر^ص و حضرت علی^ع در اسلام از منظر مسلمانان فراموش شود و جای خود را به افکار غالیانه و زیاده‌روی در خصوص شخصیت آنها بدهد. البته نویسنده جانب انصاف را نگه داشته و این عقاید را منسوب به معدودی متعصب و غالی کرده و همه شیعیان را به یک‌چشم نگریسته است.^۳ درحالی که تشیع با مفهوم «سیاست» و اداره جامعه رابطه عینی و حقیقی دارد، اساساً مفهوم «امامت» و جایگاه و شئون آن هرگونه تفکر مبتنی بر سکولاریسم و مانند آن را نفی می‌کند؛ چنان که آیات قرانی، سیره رسول الله^ص و پیشوایان معصوم^ع و احکام و موضوعات دینی کارآمدی و ظرفیت دین را برای اداره جامعه و حضور فعال در صحنه‌های گوناگون ثابت می‌کند. حوزه ولایت سیاسی و اجتماعی معصوم در عصر غیبت به ولایت عالمان و مجتهدان جامع‌الشرایط تعمیم یافته و در دوره‌هایی همچون صفویه اجتماعی‌تر شد. اما آنچه مهم است اینکه داعیه اسلام برای رهبری و مبارزه سیاسی و فکری، حتی در دوران معاصر، که منجر به انقلاب اسلامی شد، برای مقابله با نظام طاغوتی و اجرای احکام اسلامی در قالب وظایف خاص مجتهدان مطرح بود.^۴ موضوعی که با طرح نظریه «ولایت فقیه» به عنوان یک نظریه جامع حکومتی، جامعه شیعه را از رکود درآورد و برداشت از سیره اهل بیت^ع به‌ویژه نهضت کربلا را با برداشت‌های سیاسی جدی‌تری مواجه نمود.^۵

پنجم. جایگاه امام‌زادگان و بقاع متبرکه در میان شیعیان

اوبن و سرنا از شهرهای زیارتی دیدن کرده و در کتب خود، درباره اماکن زیارتی و نقش آنها در زندگی شیعیان

۱. هاینس هالم، تشیع، ص ۱۵۷ و ۱۵۹.

۲. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۱۷۶-۱۷۸.

۳. همان، ص ۱۸۰.

۴. حامد الگار، دین و دولت در ایران و نقش علما در قاجار، ص ۴۸-۴۹.

۵. رسول جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه^ع، ص ۲۴۸-۲۵۰.

سخن گفته‌اند. /وین، که سعی کرده درخصوص وجوه مختلف مذهب شیعه و شیعیان سخن بگوید، گویا مراجعه به اماکن مقدس شیعیان و تعریف نوع و شکل رابطه شیعیان با این اماکن زیارتی را هم در دستور کار خویش گنجانده است. سرنا هم، که بیشتر در پی تحقیق و تفحص درباره آداب و رفتار اجتماعی ایرانیان بوده، مشاهده اماکن زیارتی و نحوه زیارت شیعیان را کانون توجه قرار داده است تا ضمن ایجاد رابطه میان این اماکن با تولید مفاهیم شیعی، به نقش آنها در سبک زندگی شیعیان نیز پی ببرد؛ همان‌گونه با جهت‌گیری منفی سعی در خرافای جلوه دادن شکل زیارت مردم و در نتیجه، اعتقادات مذهبی آنها داشته است.^۱ سرنا از زیارتگاه‌های مشهد، قم و شاهزاده عبدالعظیم، و /وین هم از این اماکن زیارتی به‌علاوه زیارتگاه‌های نجف، کاظمین، سامراء و کربلا دیدن کرده و هرکدام توضیحاتی راجع به آنها و چگونگی زیارت مردم داده‌اند. البته اطلاعات /وین در اینجا نیز نسبت به سرنا کامل‌تر آمده است. /وین ضمن بیان علاقه شیعیان نسبت به زیارت این اماکن و دفن در کنار مرقد امامانشان پس از مرگ و شرح محوطه زیارتگاه‌ها، تا حدی درباره صاحبان این بارگاه‌ها و نحوه شهادتشان هم سخن می‌گوید. همچنین وی به بغداد سفر کرده و از آرامگاه‌های امام موسی کاظم علیه السلام در کاظمین و امام علی نقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء دیدن کرده است. او می‌نویسد: «شیعیان به تربت کاظمین چندان بهایی قابل نیستند و از آن نه تسبیح و نه مهر نماز می‌سازند».^۲

سجده بر زمین و ذکر از نشانه‌های ایمانی است و شیعیان از تربت امام حسین علیه السلام به عنوان مهر و تسبیح استفاده می‌کنند؛ اما از نظر اینها، مهر و تسبیح معبود علیه هستند و معبود له. به عبارت دیگر، اینها فقط ابزاری برای تقرب و ذکر خداوند و انجام عبادت هستند؛ همان‌گونه که نمی‌توان سجده اهل سنت بر روی فرش را نشانه سجده آنها بر فرش دانست. از سوی دیگر، در اخبار و روایات درباره تربت امام حسین علیه السلام سفارش شده است. هرچند خاک و زمین در دسترس همگان است، اما به خاطر توصیه و ثواب و آثار آن، شیعیان علاقه بسیاری به استفاده از تربت امام حسین علیه السلام دارند. سابقه این اقدام در سیره حضرت زهرا علیها السلام و دوستداران اهل بیت علیهم السلام هم وجود داشته است.^۳

/وین، که از نجف هم دیدن کرده و از آنجا به عنوان محلی برای آموزش آموزه‌های مذهبی و پرورش مجتهدان یاد می‌کند، می‌گوید: خوی و خصلت امیرالمؤمنین به این شهر، منظره جدی‌تر و عبوس‌تری از سایر اماکن مقدس داده است.^۴ /وین، که از شهرهای زیارتی دیدن کرده، با شرح معماری و فضای حاکم بر این شهرها و با توجه به شکل زیارت مردم، شخصیت امامان علیهم السلام را معرفی کرده است؛ از جمله، نظر وی درباره جدی و عبوس بودن حضرت علی علیه السلام، که معلوم نیست از کجا و کدام منبع نشئت گرفته، یا با شرح شکل زیارت مردم در کاظمین، کم‌اهمیت

۱. کارلاسرنا، آدمها و آیین‌ها در ایران، ص ۲۰۴ و ۲۵۳.

۲. اوژن وین، ایران امروز، ص ۳۷۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار (زندگانی حضرت زهرا علیها السلام)، ص ۹۹۴.

۴. اوژن وین، ایران امروز، ص ۲۰۴.

بودن این امام را نزد شیعیان نتیجه گرفته است. باوجوداین، درجایی دیگر، با شرح شور و شوق زیارت مردم از این زیارتگاه نظر قبلی خود را نقض می‌کند.^۱

سرنا هم مانند اوین از شوق شیعیان برای زیارت اماکن مقدس و علاقه آنها برای دفن امواتشان در کنار این اماکن سخن گفته است؛ اما برخلاف اوین توضیحی درباره شخصیت اهل بیت علیهم‌السلام و چگونگی مهاجرت آنها به ایران و نحوه شهادتشان نمی‌دهد؛ آنچه ذکر می‌کند اطلاعات اجتماعی، از قبیل شکل زیارت مردم در این اماکن و شرح معماری این بناهای زیارتی است. گویا معماری و شکل گنبد آرامگاه حضرت معصومه علیها‌السلام از نظر سرنا بسیار باشکوه می‌نماید؛ زیرا غنا و شکوه این بنا را به شکل ستایش گونه‌ای وصف می‌کند. تنها چیزی که راجع به شخصیت صاحبان این بارگاه‌ها می‌گوید اشاره به نسب آنهاست که در آن هم دچار اشتباه شده است؛ زیرا حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام خواهر امام رضا علیه‌السلام را دختر آن حضرت معرفی می‌کند.^۲ همچنین حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام را هم، که نسب به امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌رساند، به اشتباه فرزند امام موسی کاظم علیه‌السلام معرفی می‌کند.^۳

سرنا شکل و نحوه زیارت مردم و هدف آنها از زیارت را طوری بیان می‌کند که گویی مردم همگی خرافه‌پرست هستند؛ و بدیمنی‌ها و بدبختی‌های خود را به امام‌زاده‌ها نسبت می‌دهند؛ البته این موضوع در حیطه خرافه قرار می‌گیرد، اما می‌توان بر خلاف نظر سرنا، این موضوع را به حرمت این امام‌زادگان نزد مردم تعبیر کرد.^۴ از سوی دیگر، با شرح شکل زیارت مردم، درصدد است این‌گونه القا کند که شیعیان افراد مقدس خویش را تا حد خدایی بالا می‌برند. در دیداری که وی از شهر قزوین دارد، به سنگی که روی آن نشانه پنجه حضرت علی علیه‌السلام نقش بسته است و در یکی از مساجد قدیمی شهر نگه‌داری می‌شود، اشاره می‌کند:

می‌گویند حضرت علی، برای اثبات نیروی فوق طبیعی‌اش بر منکران، دست خویش را روی قطعه مرمری گذاشت، و برای همیشه اثر پنج انگشت بر روی آن باقی ماند. مؤمنان دسته‌دسته برای زیارت این اثر، که بر دور آن نرده کشیده‌اند، می‌نشینند و بعضی از آنها سه بار دست خود را بر نرده‌ها کشیده و بعد به صورتشان می‌کشند؛ و بعضی دیگر حتی خم می‌شوند و دیوارهای مسجد را می‌بوسند.^۵

شکل نوشتار سرنا از زیارت مردم، خواننده را به این نکته سوق می‌دهد که شیعیان افرادی هستند که درباره شخصیت‌های مورد علاقه‌شان در دین بیش از حد غلو می‌کنند. سرنا با مشاهده اعمال و رفتار مردم عادی و اقشار کم‌سواد جامعه، گویی تمام اعتقادات شیعیان را در همان آموزه‌هایی که از شکل زیارت آنها مشاهده و ثبت می‌کند خلاصه کرده است. این در حالی است که - مثلاً - در رابطه با اثر پنجه حضرت علی علیه‌السلام هیچ‌یک از منابع شیعه و

۱. همان، ص ۳۷۱ و ۳۷۲.

۲. کارلاسرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۴۴.

۳. همان، ص ۲۰۳.

۴. همان، ص ۲۰۴.

۵. همان، ص ۲۵۳.

سنی سخنی در این باره نگفته‌اند که حضرت علی علیه السلام در طول حیات خویش به ایران سفر داشته‌اند تا اثری از خود در شهری همچون قزوین به جا بگذارند.

ششم. روحانیت شیعی به مثابه سلطنت مذهبی در ایران

نفوذ و احترام روحانیان شیعه در بین مردم مسلمان ایران توجه بسیاری از سیاحان خارجی را که به ایران سفر کرده‌اند، از جمله *اوبن* و *سرنا* را به خود جلب کرده است. هرچند *سرنا* مانند *اوبن* به گونه‌ای مستقل به این موضوع نپرداخته، اما در موقعیت‌های گوناگونی که در ایران با آن مواجه شده متوجه این نفوذ و احترام گردیده و البته اشاره‌ای مختصر به آن کرده است.^۱ *اوبن* به شکل مفصل‌تر و جامع‌تر به این موضوع پرداخته و ضمن شرح نفوذ این طبقه و وظایف آنان در میان مردم، علت این نفوذ و احترام را هم در مسئله غیبت امام دوازدهم شیعیان علیه السلام بیان می‌دارد، و اینکه از میان تمام مجتهدان، یک تن به‌عنوان مرجع عالی تمام شیعیان در سمت نایب امام در عصر غیبت شناخته می‌شود.^۲ در واقع، هدف این دو، به‌ویژه *اوبن*، از طرح این موضوع نشان دادن اهمیت این طبقه در میان جامعه مسلمانان است، و اینکه روحانیت یک طبقه منحصر به فردی محسوب می‌شود که در پی کسب قدرت و موقعیت برتر در جامعه است. در جهت همین هدف، *اوبن* نهاد روحانیت را به‌عنوان نهادی در تقابل با قدرت سلطنت قرار می‌دهد؛ نهادی که در آموزه‌ها و اعتقادات خود سلطنت را قبول ندارد و مدام با این نهاد بر سر کسب قدرت درگیر بوده و توانسته‌اند با نظر به اینکه قرآن به زبان عربی نوشته شده است، از این موضوع استفاده کند و پیروان جاهل را، که با زبان دینی خود هیچ‌گونه آشنایی نداشتند، از تماس مستقیم با این کتاب مقدس بر حذر دارد و در نتیجه، زندگی مذهبی افراد در ایران، در بست در انحصار روحانیان قرار گرفته است.^۳ به‌طور کلی، در ایران دوره قاجار، دو طبقه حاکم در جامعه وجود داشت: یکی دولت و دیگری روحانیت. آنچه قدرت و نفوذ روحانیت را افزون می‌کرد اعتقاد و حمایت مردم از آنها بود.^۴

اوبن با دقت نظر خود، به‌خوبی از موقعیت، وظایف، اعتقادات و جایگاه روحانیان خبر می‌دهد و طبقه روحانیان ایران را متشکل از چندین گروه از قبیل «پیش‌نمازها»، «روضه‌خوانان»، «طلبه‌ها»، «متولیان زیارتگاه‌ها» و «مجتهدان» معرفی می‌کند و همه این گروه‌ها و حتی «سیدها» را، که از نظر وی به‌حق یا ناحق خود را از اولاد حضرت علی علیه السلام می‌دانند، در زمره این گروه معرفی می‌کند و وظایف هر کدام از آنها را نیز شرح می‌دهد. سپس به ملاها و علمای دروغینی هم، که عوام و مردم ساده‌دل را با اعتقادات خرافی به سمت خود جذب می‌کنند، اشاره می‌نماید^۵ که

۱. همان، ص ۱۶۱-۱۶۸.

۲. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۲۰۱.

۳. همان، ص ۱۹۹.

۴. علی‌اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۱۶۶.

۵. اوژن اوبن، ایران امروز، ص ۲۰۰.

البته زمینه‌های فراهم آمدن آن به جاه‌طلبی افراد، جهالت مردم عامه و کم‌سواد و وجود نگرش‌های مختلف در میان طبقات مذهبی برمی‌گردد. *اوبن*، به‌ویژه به‌منظور کسب اطلاع از دیدگاه روحانیت نسبت به انقلاب مشروطه، سعی کرد به آنها نزدیک شود و در این زمینه، ملاقاتی هم با ملامحمدکاظم خراسانی در نجف اشرف داشت. او در نهایت، مجتهدان را به‌عنوان حامیان و محافظان دین ملی و کسانی که در برابر استبداد بزرگان قوم جانب مردم را می‌گیرند معرفی می‌کند.^۱

هفتم. تمرکز بر فرقه‌های انحرافی در میان شیعیان ایران

در کتب این دو سیاح، به‌طور مشخص همه فرقه‌های شیعی معرفی نشده‌اند، اما *سرنّا* فرقه «باب» و *اوبن* فرقه «علی‌اللهی» را به نوعی در ارتباط با مذهب شیعه معرفی کرده و به شرح عقاید و رهبران آن‌ها پرداخته‌اند. *اوبن* در دیدار با گروه علی‌اللهی‌ها و *میرزا صالح*، مرشد آنها در کرمانشاه، فرقه «علی‌اللهی» را یکی از گروه‌های شیعی معرفی می‌کند. او اعتقادات این گروه را، که مبنی بر اعتقاد به الوهیت حضرت علی علیه السلام و *سلمان فارسی* است، به همه شیعیان نسبت نمی‌دهد، بلکه آن را از اعتقادات لایه‌های پایین و عوام مردم می‌داند که عشق به حضرت علی علیه السلام موجب شده است چنین تفکری برای خود بسازند.^۲ *سرنّا* نیز فرقه «باب» را فرقه‌ای معرفی می‌کند که در مخالفت با مذهب رسمی کشور، یعنی شیعه به وجود آمد، اما اعتقادات این فرقه را در ارتباط با عقاید شیعیان شرح می‌دهد؛ یعنی آنها را به‌عنوان گروهی معرفی می‌کند که با استفاده از مفاهیم شیعی سعی کرده‌اند مذهبی جدید بسازند.^۳ *سرنّا*، که به‌طور مفصل راجع به این فرقه سخن گفته، نگرش مثبتی نسبت به آنها داشته و به گونه‌ای حس‌دل‌سوزی نسبت به این گروه را در خواننده به وجود می‌آورد. گویا او تمام وقایع مربوط به این فرقه را از زبان بانی‌ها شنیده و به‌طور یک‌جانبه به آن نقل پرداخته است.^۴

هشتم. مراسم مذهبی شیعیان ایران

عقاید شیعیان در ایران و در میان شیعیان جهان، دارای رویکردهای رفتاری و عملی است که از آن جمله، در مراسم دینی مشاهده می‌شود. این موضوع توجه سیاحان خارجی را هم برانگیخته و بخش قابل‌توجهی از آثار آنها به شرح و توصیف این مراسم و آداب شیعی اختصاص یافته است. به نظر می‌رسد آداب و مراسم شیعی شیعیان نقش مهمی در تحلیل یافته‌های این گروه برای شناخت هویت مذهبی شیعه و مفاهیم شیعی داشته و در این زمینه، گاه دچار سوءبرداشت و تحلیل‌ها و تفسیرهای نادرست شده‌اند؛ زیرا با رفتارها، اندیشه‌ها را تحلیل می‌کنند؛ یعنی رفتارهای

۱. همان، ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۳۴۲.

۳. کارلا سرنّا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۳۱ و ۳۲.

۴. همان، ص ۳۱-۴۲.

بی‌معنی از نظر اینها، یعنی اندیشه‌های بی‌معنی و خرافی. از جمله مهم‌ترین نمودهای مراسم شیعیان ایران، بزرگداشت شهادت و ولادت ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و اعیاد است که از آن میان، مراسم عزاداری امام حسین^{علیه‌السلام} بیشتر قابل توجه ایشان بوده است.

سرنا در کتاب خود، تنها به ایام سوگواری امام حسین^{علیه‌السلام} اشاره کرده و صرفاً آداب و مراسم مربوط به این ایام را شرح می‌دهد؛ اما/وبین علاوه بر مراسم سوگواری امام حسین^{علیه‌السلام}، به ایام شهادت دیگر امامان^{علیهم‌السلام} و اعیاد شیعیان از جمله فطر، قربان و غدیر نیز اشاره می‌کند. /وبین آندوه و ماتم را از خصوصیات بارز تشیع می‌داند. از این رو، روزهای عزاداری را نسبت به اعیاد برای شیعیان مهم‌تر جلوه می‌دهد و از میان اعیاد شیعیان، به‌طور برجسته مراسم روز درگذشت عمر را به‌عنوان جشن شیعیان معرفی می‌کند.^۱

عمده مطالبی که این دو سیاح در رابطه با مراسم مذهبی شیعیان شرح می‌دهند درباره ایام عزاداری دهه محرم است که از نحوه برگزاری تعزیه‌ها، تزیین و آرایش تکیه‌ها در اوقات برگزاری تعزیه، بازیگران نمایش، تماشاچی‌ها و نحوه عزاداری سخن می‌گویند. سرنا در هنگام برگزاری مراسم تعزیه در کنار جایگاه /انیس‌الدوله، سوگلی ناصرالدین شاه، قرار داشت و /وبین نیز مراسم روز عاشورا را در خانه /اتبک /عظم (امین‌السلطان) در تهران مشاهده کرده است. هر دو نویسنده مراسم تعزیه و نمایشی را فراتاریخی، که صرفاً هدف آنها تحت تأثیر قرار دادن تماشاچیان و آندوهناک کردن آنهاست، معرفی می‌کنند. آنها شاهد دسته‌های قمه‌زنی بوده‌اند که در روزهای عزاداری امام حسین^{علیه‌السلام} توجه همه را به سوی خود جلب می‌کرده و موجب شده‌اند تا /وبین این نحوه عزاداری را خشن و خونین توصیف کند.^۲ سرنا نیز این نوع شور و حرارت را از سوی برخی از آنان ساختگی و ظاهری قلمداد می‌کند.^۳

/وبین و سرنا در خلال شرح حوادث کربلا و مراسم عزاداری امام حسین^{علیه‌السلام}، سعی می‌کنند درگذشت حضرت عیسی^{علیه‌السلام} و هفته مقدس مسیحیان و مراسم مربوط به آن را هم معرفی کنند.^۴

/وبین آداب و رسوم شیعیان را هم در جهت اختلافات و درگیری‌های آنان با اهل سنت وصف می‌کند. بدین‌روی، ناپیوستگی و تفرقه بین مسلمانان را به ذهن مخاطبانش القا می‌کند. متأسفانه رسم‌های نادرست متداول در آن زمان از چشم سیاحان خارجی پنهان نمانده است. این موضوع موجب شده است مذهب شیعه از نظر بینندگان و خوانندگان خارجی، مذهبی خرافی و پیروان آن افرادی افراطی و نامتعادل قلمداد شود؛ زیرا نحوه برگزاری آداب و رسوم یک مذهب در معرفی آن مذهب نقش قابل‌توجهی دارد و چه‌بسا صرفاً همین رسوم و نه چیزی دیگر وسیله معرفی و شناسایی یک مذهب برای کسانی گردد که هیچ‌گونه آشنایی با آن ندارند.

۱. اوژن اوبین، ایران امروز، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. کارلاسرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۶۹.

۴. همان، ص ۱۶۱؛ اوژن اوبین، ایران امروز، ص ۱۸۷.

نتیجه گیری

آنچه بیان شد پردازش و تحلیل یافته‌های دو سیاح اروپایی از آموزه‌های شیعی ایرانیان در دوره قاجار بود که عصیبت‌های قومی، نژادی و مذهبی، و جانب‌داری نویسنده در شرح برخی از آموزه‌ها، محدودیت منابع استفاده شده از سوی آنها و انگیزه‌های تبلیغی-تبشیری نویسندگان آنها را نشان می‌دهد. این موضوع موجب شده است تا این دو صرفاً براساس نگاه خود و تحلیل ضعیف داده‌های خویش، مذهب شیعه را خرافی، و ستیزه‌جو با مذهب اهل سنت، و رهبران آن را خشن و کینه‌جو معرفی نمایند. عمده مطالبی که این دو سیاح راجع به مذهب شیعه و شیعیان ایرانی بیان می‌دارند مبتنی بر آن چیزی است که در طول اقامت خود در ایران مشاهده کرده‌اند و همان مشاهدات کوتاه‌مدت خویش را مبنای یافته‌ها و شرح خود از وضعیت شیعیان قرار می‌دهند. چه‌بسا آنان اقلیتی از مردم را مشاهده کرده‌اند که به خرافه و آموزه‌های نادرست گرفتار آمده و یا با دسته‌ای از گروه اهل سنت مواجه شده‌اند که اختلاف خویش با اهل تشیع را براساس تعصب مذهبی خویش بیان می‌کنند و بدون اینکه به مطالعات عمیق در این زمینه دست بزنند، صرفاً همان را ملاکی برای تاریخ شیعه و رهبران آن و وضعیت فکری و رفتاری شیعیان قرار داده‌اند، همین موضوع موجب گردیده است تا نویسنده در اثر خویش، جانب‌دارانه بنگرد و نتواند بی‌طرفانه همه آنچه را که بوده است، بیان کند.

از دیگر نکات مهم در ارزیابی کار این دو سفرنامه‌نویس، انگیزه‌های تبلیغی - تبشیری و عصیبت‌های قومی، نژادی و مذهبی این دو است. این انگیزه‌های تبلیغی را می‌توان در کار هر دو سیاح مشاهده نمود؛ زیرا هر دو در خلال شرح آموزه‌های شیعیان و در موقعیت‌های گوناگون، به بیان آموزه‌های مسیحیت پرداخته و سعی در معرفی و شناساندن مذهب خویش از این طریق کرده‌اند. همین نکته سبب گشته است تا ملاک درست یا نادرست بودن و خرافه‌آمیز بودن یا نبودن آموزه‌های مذهب شیعه را وجود یا عدم این آموزه‌ها در مذهب خویش قرار دهند و بر این اساس، درصد پذیرش یا رد آن برآیند. این موضوع سبب می‌شود که نویسنده نتواند تصویر درستی از آموزه‌های شیعیان ارائه دهد. اگرچه محورهایی از یافته‌ها و تصورات این دو نویسنده درباره وجوه گوناگون مذهب تشیع قابل نقد و بررسی است. با این وجود، توضیحات/وبن در مقایسه با سرنا بیشتر واقع‌بینانه‌تر بوده است.

منابع

- آینه‌بوند، صادق، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ابن‌هشام، عبدالملک بن، *سیره النبویه*، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۸.
- احمدی، حبیب‌الله، *امام کاظم*، *الگوی زندگی*، تهران، فاطیما، ۱۳۸۶.
- اشپولر، برتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، چ چهارم، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
- اوین، اوژن، *ایران امروز*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲.
- جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا پایان قرن نهم هجری*، تهران، علم، ۱۳۹۴.
- _____، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران، علم، ۱۳۸۸.
- _____، *حیات فکری سیاسی امامان شیعه*، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۱.
- حسین هاشمی و فاطمه علیان، «سنت دفن مرده در جوار مزارات متبرکه شیعه از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی»، *رهیافت تاریخی*، ۱۳۹۴، ش ۱۰، ص ۳۳-۴۶.
- حسین‌زاده شانه‌چی، حسن، «سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ۱۳۸۹، ش ۲۶، ص ۳۷-۵۸.
- زمانی، محمدحسن، *شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
- سبحانی، جعفر، *منشور عقاید امامیه*، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۹۱.
- سعیدیان جزی، مریم، *سیره و تاریخ امامان شیعه*، اصفهان، نگارخانه، ۱۳۹۵.
- شمیم، علی‌اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چ ششم، بی‌جا، مدبر، ۱۳۷۴.
- شهیدی، جعفر، *زندگانی علی بن‌الحسین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *شیعه در اسلام*، چ هشتم، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع‌البیان*، ترجمه احمد بهشتی، تهران، فراهانی، ۱۳۵۰.
- طوسی، محمدبن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- طیبی، ناهید، «دیدگاه مستشرقان در زمینه جایگاه مادر امام سجاد» در نزد شیعیان، *بانوان شیعه*، ۱۳۸۶، ش ۱۲، ۱۰۷-۱۳۶.
- کارلا سرن، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲.
- کریمی، علی، «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجار»، *مطالعات ملی*، ۱۳۸۶، ش ۲۹، ص ۳۱-۶۲.
- الگار، حامد، *دین و دولت در ایران و نقش علما در قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۵۶.
- لیماکیو، مصطفی، «بازتاب محرم در سفرنامه‌های اروپاییان»، *فرهنگ مردم ایران*، ۱۳۸۲، ش ۱، ص ۳۳-۸۱.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار (زندگانی حضرت زهرا)*، ترجمه محمد روحانی علی‌آبادی، تهران، مهام، ۱۳۷۹.
- مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۴.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الارثاد فی معرفه حجج‌الله علی‌العباد*، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، چ دوم، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۴۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، *آیات ولایت در قرآن*، قم، نسل جوان، ۱۳۸۶.
- هالم، هاینس، *تشیع*، ترجمه محمدتقی اکبری، قم، ادیان، ۱۳۸۴.